



Examining the Extent of the U.S. Government's Compliance with Economic and Developmental Treaties and Agreements Concluded with Iran (1350–1357 A.H.S. / 1951–1979)

Zahra Hassanshahi baygi¹ | Hadi Vakili²

1. Corresponding author: M.A. Graduate in History, specialization in Islamic Iran, Department of History, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University, Mashhad, Iran z.hassanshahib.76@gmail.com
2. Associate Professor, Department of History, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. vakili@um.ac.ir

Abstract

Substantive economic relations between Iran and the United States began to take shape in the 1950s. Seeking to prevent the spread of communist influence in West Asia, recognizing Iran's strategic significance, aiming to benefit from the country's resources and markets, and intending to transform Iran into a source of regional stability and a strong executive arm as a reliable ally, the United States expanded its relations with Iran through the conclusion of agreements in the economic and developmental spheres. These agreements entailed obligations for both parties and remained in force until the end of the Pahlavi period. With the victory of the Islamic Revolution, however, these interactions came to an end, and all economic and developmental treaties and agreements were annulled. Adopting a descriptive-analytical approach and employing the historical method, this study seeks to answer the following question: to what extent did the U.S. government remain committed to its obligations toward the Iranian government during the years 1951 to 1979? The findings indicate that the U.S. government remained committed to its obligations toward Iran in many cases, largely because of the significant political and economic interests it obtained through the conclusion of these agreements.

Keywords: Iran, United States, economic, relations, agreement, extent of compliance

Volume info

Vol. 5
Series: 20
Winter 2026
P.P: 159-188

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
26 May 2025
Revised:
04 January 2026
Accepted:
22 May 2026
Published:
08 June 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2821-0247
E-ISSN: 2783-4743



Cite this article: Hassanshahi baygi, Z., & Vakili, H. (2026). Examining the Extent of the U.S. Government's Compliance with Economic and Developmental Treaties and Agreements Concluded with Iran (1350–1357 A.H.S./ 1951–1979). *American Strategic Studies*, 5(4), 159-188. doi: 10.47176/asr.2026.1317



Publisher: Imam Hossein University.

"Authors Retain" The Copyright"



بررسی میزان پابندی دولت آمریکا به معاهدات و قراردادهای اقتصادی و عمرانی منعقدۀ با ایران (سال های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷ ش)

زهره حسن شاهی بایگی^۱ هادی وکیلی^۲

۱. نویسنده مسئول: دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ- گرایش ایران اسلامی، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد،

ایران. z.hassanshahib.76@gmail.com

۲. دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. vakili@um.ac.ir

چکیده

روابط اقتصادی جدی میان ایران و آمریکا از سال های دهه ۳۰ شمسی شکل گرفت. ایالات متحده به منظور جلوگیری از خطر نفوذ کمونیسم در منطقه غرب آسیا، درک موقعیت استراتژیک ایران، بهره برداری از منابع و بازارهای این کشور و تبدیل آن به عامل ثبات و بازوی اجرایی قوی در منطقه به عنوان متحدی قابل اعتماد، شروع به گسترش روابط خود با ایران در قالب امضای موافقت نامه هایی در زمینه های اقتصادی و عمرانی کرد که تا پایان دوره پهلوی برای هر کدام از طرفین تعهداتی را به همراه داشت. در نهایت با پیروزی انقلاب اسلامی این تعاملات به پایان رسید و تمامی معاهدات و قراردادهای اقتصادی و عمرانی لغو شد. این پژوهش مبتنی بر رویکرد توصیفی- تحلیلی و با استفاده از روش مطالعه تاریخی، در پی یافتن پاسخی برای این پرسش است که دولت آمریکا تا چه میزان به تعهدات خود نسبت به دولت ایران در طول سال های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷ شمسی پایبند بوده است؟ یافته های پژوهش نشان می دهد که دولت آمریکا عمدتاً به دلیل منافع مهم سیاسی و اقتصادی که در نتیجه انعقاد این قراردادها به دست می آورد، در موارد زیادی به تعهداتش نسبت به ایران پایبند بوده است.

کلیدواژه ها: ایران، آمریکا، روابط اقتصادی، قرارداد، میزان پابندی

سال و شماره

سال ۵، پیاپی: ۲۰

زمستان ۱۴۰۴

صص: ۱۵۹-۱۸۸

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸

شاپا چاپی و الکترونیکی

شاپا چاپی: ۲۸۲۱-۲۴۷

الکترونیکی: ۲۷۸۳-۴۷۴۳



استناد: حسن شاهی بایگی، زهره و وکیلی، هادی. (۱۴۰۴). بررسی میزان پابندی دولت آمریکا به معاهدات و قراردادهای اقتصادی و

عمرانی منعقدۀ با ایران (سال های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷ ش). مطالعات راهبردی آمریکا، ۵(۴)، ۱۵۹-۱۸۸. doi:

10.47176/asr.2026.1317

"حق چاپ برای نویسندگان

محفوظ است"

ناشر: دانشگاه جامع

امام حسین (ع).



OPEN ACCESS

مقدمه

آمریکا که تا قبل از جنگ جهانی دوم فعالیت قابل توجهی در ایران نداشت و حضورش عمدتاً بر مبنای امور فرهنگی، آموزشی و هیئت‌های تبشیری مذهبی پایه‌ریزی شده بود، پس از جنگ جهانی دوم و به دنبال پیشرفت اقتصادی و نظامی و تغییر ساختار نظام بین‌الملل در پی تضعیف قدرت‌های بریتانیا و شوروی با تغییر اساسی در استراتژی‌های خود، دخالت و نفوذ خود را در ایران آغاز کرد که تا بهمن سال ۱۳۵۷ ش. و پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت.

با پایان جنگ جهانی دوم، ایالات متحده روابط نظامی، فرهنگی و مخصوصاً اقتصادی خود را از طریق کمک‌های مالی افزایش داد. دولت آمریکا که نگران حضور شوروی در ایران و خطر نفوذ کمونیسم در منطقه بود به ارسال کمک‌های نظامی خود به ایران ادامه داد و بدین ترتیب در معادلات و مناسبات آینده ایران، یکه‌تاز میدان شد و فعالیت خود را برای بهره‌برداری از موقعیت نفتی و منابع داخلی ایران و مداخله سیاسی در این کشور آغاز کرد که منجر به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. با دخالت مستقیم این دولت شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد و روی کار آمدن دولتی دست‌نشانده در ایران، مناسبات دو کشور در قالب روابط نظامی، اقتصادی و فرهنگی رو به فزونی یافت که تا پایان دوران سلطنت محمدرضا پهلوی به‌طور مداوم و مستمر ادامه داشت و در نهایت به انعقاد موافقت‌نامه‌های گوناگونی انجامید. در راستای این قراردادها دولت آمریکا پذیرفت تا از نظر نظامی، فرهنگی و به‌ویژه اقتصادی با ایران همکاری کند.

به‌طور کلی آنچه در پژوهش حاضر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، چگونگی اقدام دولت آمریکا نسبت به تعهداتی است که در قراردادهای اقتصادی و عمرانی بین سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷ ش. منعقد شده و در حقیقت پرسش مهم این مقاله این است که دولت ایالات متحده تا چه میزان به مفاد مورد تعهد در معاهدات و قراردادهای منعقد شده با ایران در بازده زمانی مورد بحث، پایبند بوده یا اقداماتی مغایر آن‌ها انجام داده است؟ دولت آمریکا در دوره مذکور با عقد معاهدات و قراردادهای مختلف با ایران به پذیرش تعهداتی در حوزه‌های مختلف نظامی، فرهنگی، اجتماعی و خصوصاً اقتصادی تن داد که بررسی میزان پایبندی یا عدم پایبندی به آن‌ها سؤال اصلی این تحقیق است.

در مجموع، هدف این پژوهش بررسی اسناد و منابع موجود و قابل دسترس، به منظور بررسی میزان پابندی دولت آمریکا به تعهداتش در قبال ایران در معاهدات و قراردادهای منعقد شده در بازه زمانی مشخص شده (۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷ ش) است. ایالات متحده با برقراری تعاملات و امضاء پیمان‌نامه‌های متعدد در این دوران به دنبال اهداف خود از جمله جلوگیری از نفوذ کمونیسم در ایران، استفاده از منابع و بازارهای فروش این کشور و تبدیل آن به متحدی مورد اعتماد و کارآمد در منطقه بود که برای نیل به این اهداف تلاش کرد تا حد زیادی به تعهدات خود پایبند باشد.

در ارتباط با ضرورت و کاربرد این پژوهش باید اشاره کرد که با توجه به مسائل روز و مذاکراتی که در سال‌های اخیر میان دولتین ایران و آمریکا صورت گرفته و همچنان نیز ادامه دارد، این مقاله می‌تواند با روشن کردن قسمتی از سابقه تاریخی میان ایران و آمریکا و بررسی میزان تعهدات و قراردادهای منعقد شده، موجب افزایش آگاهی سیاسی و اجتماعی شود. علاوه بر آن، به سران و کارگزاران دولتی کمک فراوانی در بازخوانی روابط دو کشور با نظر به موضع آمریکا در قبال تحولات گوناگون سیاسی ایران و اقدامات این کشور در زمینه مسائل اقتصادی و میزان قابل اعتماد بودن آن با توجه به تجربیات گذشته، انجام دهد و در نهایت مد نظر دولتمردان و بزرگان سیاسی ایران در مذاکرات و روابط آتی با آمریکا، قرار بگیرد.

با نظر به این که این پژوهش در حوزه علم تاریخ نه علوم سیاسی و بررسی بخشی از تاریخ روابط دو کشور ایران و آمریکا صورت گرفته است فاقد چهارچوب نظری می‌باشد اما به دلیل نزدیکی موضوع این تحقیق و نتایج حاصله آن با «نظریه وابستگی»^۱ جان فوران^۲، می‌توان داده‌های این مقاله را در چهارچوب این نظریه بررسی کرد. این نظریه بر سه عامل اصلی: توسعه وابسته، دولت سرکوبگر و فرهنگ سیاسی مخالفت تأکید دارد و بیان می‌کند که اگر در یک جامعه جهان سومی این سه عامل هم‌زمان وجود داشته باشند، احتمال وقوع بحران و در نهایت انقلاب افزایش می‌یابد. توسعه وابسته که بنا بر موضوع مورد بحث در این مقاله به کار گرفته شده، اشاره به وابستگی اقتصادی یک کشور به کشورهای توسعه یافته دارد که می‌تواند منجر به نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و نارضایتی عمومی شود. البته باید در نظر داشت که نظریه وابستگی جان فوران یک چارچوب کلی

^۱ Dependency theory

^۲ John Foran

برای تحلیل انقلاب‌ها ارائه می‌دهد و برای تحلیل دقیق‌تر هر انقلاب، باید عوامل دیگری را نیز در نظر گرفت.

۱- پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع این تحقیق می‌توان به پژوهش‌های متعددی اشاره کرد که به روابط ایران با ایالات متحده و معاهدات و قراردادهای اقتصادی و عمرانی منعقدۀ میان دو کشور پرداخته‌اند؛ اما در خصوص میزان پابندی دولت آمریکا نسبت به تعهداتش با ایران، به صورت بسیار مختصر و تنها می‌توان از لابه‌لای برخی کتاب‌ها و مقالات مطالب پراکنده‌ای به دست آورد. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله جایگزینی نفوذ آمریکا به جای انگلیس در ایران (۱۳۹۵)، نوشته اصغر جعفری ولدانی و محسن پیرهادی و همچنین پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع وام‌های دریافتی دوران پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۳۲ ش) (۱۳۹۶)، نوشته رضا عباسی ماکرانی را نام برد.

برخی دیگر از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده در این خصوص که دارای اطلاعاتی هستند، عبارت‌اند از: روابط خارجی ایران از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ش. (۱۳۸۴)، این اثر که نوشته علی‌رضا ازغندی است، از بعد نظری و از جنبه کاربردی، سیاست و روابط خارجی ایران را در دوره پهلوی دوم با روش تاریخی و به صورت علمی، بررسی کرده است. کتاب سیاست خارجی آمریکا و شاه بنای دولتی دست‌نشانده در ایران (۱۳۷۱)، نوشته مارک جی. گازیوروسکی، اثر دیگری است که رابطه‌ای را که در دوران محمدرضا پهلوی، بین آمریکا و ایران وجود داشت بررسی و تأثیرات این رابطه را بر سیاست داخلی ایران ارزیابی می‌کند. گازیوروسکی استدلال می‌کند که با تقویت رژیم سرکوبگر شاه و روابط متقابل آمریکا و ایران به طور غیرمستقیم به تحقق انقلاب ایران کمک کرد. در نهایت کتاب روزشمار روابط ایران و آمریکا (۱۲۴۸ ق. - ۱۳۷۷ ش / ۱۸۳۲ - ۱۹۹۹ م) (۱۳۷۹) که نوشته بهروز طیرانی است، روز شمار روابط کشورهای ایران و آمریکا طی سال‌های مذکور است.

در تدوین این مقاله از مطبوعات قبل انقلاب مانند روزنامه اطلاعات، کیهان و مجلات تهران اکونومیست و خواندنی‌ها نیز استفاده شده است. علاوه بر این در این پژوهش سعی شده است با تهیه اسناد وزارت امور خارجه و مجلس و بهره‌گیری از آن‌ها به نتایج دقیق‌تری در مورد میزان پابندی دولت آمریکا به تعهداتش در قبال ایران، دست پیدا کند. لازم به ذکر است که با بررسی‌های انجام شده، پژوهشی

مستقل در ارتباط با بررسی میزان پابندی دولت آمریکا در معاهدات و قراردادهای منعقد شده با ایران، صورت نگرفته است.

۲- روش تحقیق

این تحقیق به روش تاریخی و با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. روند ارائه داده‌ها و تحلیل آن‌ها مبتنی بر روش کرونولوژیک^۱ و سالنگارانه است که با وجود اختصار سعی شده، قراردادهای و معاهدات مهم و حساس که به روابط ایران و آمریکا در این بازه زمانی مربوط می‌شود، با دقت تدوین و آنچه ارزش تاریخی دارد در این نوشتار تدوین شود. کرونولوژیک عنوان علمی برای محاسبه زمان یا دوره‌هایی از زمان و اختصاص رخدادها در تاریخ‌های دقیق وقوع آن‌ها است. کرونولوژی که در فارسی آن را روزشمار، گاه‌شمار یا تقویم تاریخ گویند، به عنوان یک علم و یک موضوع مطالعاتی و در واقع به معنای تخصیص رخدادها به تاریخ‌های زمانی دقیق آن‌ها می‌باشد. امروزه کرونولوژی علم قرار دادن وقایع در زمان است. به عبارتی منظم کردن و چینش وقایع از ابتدا به انتها یا برعکس است. به عنوان مثال کتاب کرونولوژی تاریخ ایران اثر بهاء الدین بازارگاد که به ترتیب تاریخ وقوع حوادث نگارش شده و با وجود اختصار سعی شده است هیچ یک از وقایع حساس و مهم تاریخی که به فرهنگ و تمدن ایرانی و روابط خارجی آن مربوط می‌شود از قلم نیفتد و آنچه ارزش تاریخی دارد در آن گنجانیده شود (Pazargad, 1966: 3). از آنجا که تحولات پرشتاب این سال‌ها به گونه‌ای است که می‌توان از تغییرات در سیاست‌های اقتصادی و روابط خارجی در دهه‌های یاد شده به تفکیک سخن گفت، در این مقاله و با استفاده از این سبک، تلاش شده با توجه به تحولات سیاسی در هر دهه، معاهدات میان ایران و آمریکا در حوزه‌های اقتصادی و عمرانی با تمرکز بر بخش صنعت و انرژی، مساعدت‌های مالی، اصلاحات همه‌جانبه و همکاری‌های تجاری بین دو کشور، مورد بحث و تحلیل قرار گیرد.

¹ Chronology

۳- بحث و بررسی

۳-۱- قراردادهای اقتصادی و عمرانی منعقد شده میان ایران و آمریکا در دهه ۳۰

شمسی

ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم، در پی آن بود که در مقابل رقیب اصلی خود یعنی شوروی، یک زنجیر دفاعی از اروپا تا خاور دور به وجود آورد که طبیعتاً ایران هم یکی از حلقه‌های این زنجیر و یا شاید بتوان گفت مهم‌ترین عضو آن به شمار می‌رفت. آمریکا با کمک‌های نظامی و مالی خود به ایران، این کشور را در نظام دفاعی غرب وارد کرد و این گونه با اعمال قدرت در منطقه از خطر پیشروی کمونیسم و شوروی جلوگیری می‌کرد.

۳-۱-۱- اعطای کمک‌ها و وام‌های اقتصادی

ایالات متحده از طریق اعطای مساعدت‌های مالی به وسیله اصل چهار^۱ در طول سال‌های ابتدایی دهه ۳۰ شمسی به شکل‌های مختلف زمینه مداخله گسترده در امور اقتصادی و سیاسی را فراهم ساخت. بودجه بیست و سه میلیون دلاری اولیه اصل چهار به اقدامات گوناگونی اختصاص داده شد؛ ۱۰ میلیون دلار آن به مصرف تأسیس کلاس‌های کشاورزی، بهداشت عمومی و تعلیمات حرفه‌ای و ۱۳ میلیون دلار بقیه به طرح ایجاد کارخانه‌ای به منظور بسته‌بندی ماهی در قوطی در بندرعباس، استخراج معادن مختلف در ایران، ایجاد انبار و خشک کردن توتون، تکمیل سد کرج، به کار انداختن کارخانجات نساجی و کمک به مدارس کشاورزی و برنامه‌های تحقیقی رسید (اسناد دفتر نخست وزیری، شماره ۱۰۲۳۸، ۱۳۳۲). در فروردین ۱۳۳۱ ش/ آوریل ۱۹۵۲ م. اصل چهار با عقد قراردادی حاضر شد پنج میلیون دلار به ایران بپردازد تا به مصرف خرید ماشین‌آلات و مواد خام از ایالات متحده برسد. همچنین دولت آمریکا به موجب برنامه اصل چهار ترومن، قراردادی به مبلغ ۱۱ میلیون دلار جهت کمک به امور کشاورزی، بهداشت و آموزش و پرورش با ایران منعقد کرد (Ministry of Foreign Affairs, 1952: 87).

ایران در سال‌های ابتدایی دهه ۳۰ شمسی صحنه اختلافات میان محمدرضا شاه جوان و مصدق و تحریم ایران از طرف دولت‌های خارجی و عدم خرید نفت از ایران به دلیل مبارزه مصدق برای ملی اعلام کردن صنعت نفت بود که شرایط داخلی را دشوار و حتی به سوی تغییر حکومت هدایت

^۱ Point four program

می‌کرد. دولت آمریکا برای حل بحران ایران در کنار برنامه‌ریزی طرح کودتا به کمک‌های اقتصادی نیز خود ادامه می‌داد تا بتواند با جلب اعتماد عمومی و ایفای نقش میانجی میان دولتمردان از نفوذ و دولت‌های رقیب مانند انگلیس و مخصوصاً روسیه و گسترش کمونیسم در ایران، جلوگیری کند. ده روز بعد از کودتا، میزان کمک‌های اقتصادی آمریکا به ایران افزایش قابل توجهی یافت و مبلغ ۴۶ میلیون دلار کمک اضطراری نیز افزوده شد (Mahdavi, 1996: 197). در سال ۱۳۳۳ شمسی طبق توافقنامه رسمی که بین علی امینی و ویلیام وارن^۵ و ابوالقاسم ناصر مدیرکل بانک ملی ایران به امضاء رسید، مبلغ ۹ میلیون دلار و همچنین چند ماه بعد، مبلغ ۶ میلیون دلار به دولت ایران جهت کسری بودجه در این سال‌ها اعطاء شد (Khandaniha, May 15, 1954). پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. و سرنگونی مصدق که با طرح‌ریزی آمریکا و همکاری انگلستان به وقوع پیوست، دولت آمریکا در کنار کنترل اوضاع آشفته ایران در آن سال‌ها تمام تلاش خود را برای اتصال ایران به حلقه حفاظتی خود در منطقه، برای مقابله با شوروی و نفوذ کمونیسم به کار برد. پس از حل مشکل نفت، این بار ایالات متحده با اعطای وام‌های مختلف، در پی تبدیل ایران به یکی از متحدان مهم آمریکا در منطقه و حافظ منافع این دولت در غرب آسیا بود.

بانک‌ها از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابزارهای نفوذ اقتصادی آمریکا به شمار می‌رفتند که نقش شایان توجهی در جذب سرمایه و ثروت به‌سوی صاحبان صنایع و سرمایه‌داران بزرگ آمریکایی و اقتصاد آن کشور داشتند که از طریق اعطای وام و مشارکت در طرح‌های عمرانی، اقتصادی و فنی ثروت هنگفت و فراوانی را جذب اقتصاد آمریکا می‌کردند. بانک صادرات و واردات آمریکا یکی از همین موسسه‌ها است. در ۲۳ مرداد ۱۳۳۰ شمسی لایحه دریافت ۲۵ میلیون دلار اعتبار از بانک صادرات و واردات واشنگتن به تصویب دو مجلس شورای ملی و سنا رسید که به تأمین اجرای طرح‌های کشاورزی، صنایع و دیگر طرح‌های مندرج در برنامه هفت ساله کشور در نظر گرفته شده بود. بانک صادرات و واردات آمریکا اصولاً به کشورهایی وام می‌داد که این وام پرداختی را برای توسعه تجارت و بازرگانی آمریکا مفید بداند (Ettela'at, February 8, 1952). همچنین این بانک، در سال ۱۳۳۳ ش. وامی به ارزش ۵۰ میلیون دلاری جهت ساختن سد کرج و در سال بعد نیز مبلغ ۳۰ میلیون دلار دیگر برای تکمیل عملیات سد کرج به دولت ایران اعطاء کرد (Khandaniha, 10

⁵ William Warren

July 1956). بانک صادرات و واردات در سال ۱۳۳۷ ش. ۱۹۵۸ م. نیز، مبلغ ۴ میلیون دلار اعتبار جهت خرید و نصب کارخانه سیگارسازی به ایران اختصاص داد. البته می‌بایست طبق معمول دستگاه و لوازمات مربوط به آن، فقط از آمریکا خریداری شود (Ettela'at, 6 May 1958). علاوه بر این، وزارت دارایی در سال ۱۳۳۹ شمسی از اعتبارات و کمک‌های اصل چهار بودجه‌ای برای ترمیم بخش دخانیات که جهت توسعه‌ی کشت، ساختمان‌های مورد احتیاج، استخدام متخصص و غیره بود مبلغ ۵ میلیون دلار تخصیص داد. دخانیات یکی از منابع مهم درآمد کشور بود که بخش مهمی از هزینه‌های کشور را تأمین می‌کرد (Bashir Gonbadi, 2003: 132). بانک صادرات و واردات همچنین، در اردیبهشت سال ۱۳۳۸ ش / آوریل ۱۹۵۹ م. اعتباری به ارزش ۹/۳ میلیون دلار جهت خرید چهل دستگاه لکوموتیو برقی دیزل و سایر لوازم مورد نیاز راه‌آهن دولتی به ایران پرداخت کرد. قرارداد این اعتبار را علی‌قلی اردلان و رئیس بانک صادرات و واردات امضاء کردند (Tehran Economist, 10 April 1959).

ایالات متحده آمریکا در زیر سایه اعطای کمک‌های مالی مختلف در پی سلطه همه‌جانبه در بخش اقتصادی و بازرگانی ایران بود. دولت آمریکا با فروش کالاهای خود و استفاده حداکثری از درآمد حاصله از نفت به وابستگی هر چه بیشتر ایران به این کشور می‌اندیشید. ایالات متحده در این دهه رتبه اول را در بازرگانی ایران داشت و واردات ایران از آمریکا در این دهه تقریباً پنج برابر صادرات به آمریکا است (Azghandi, 2005: 278).

یکی دیگر از سازمان‌هایی که در این دوره به ایران وام‌های کلان می‌دهد، صندوق وام‌های عمران آمریکا است. این سازمان در سال ۱۳۳۷ ش. ۱۹۵۸ م.، موافقت خود را با پرداخت وامی به ارزش ۴۷/۵ میلیون دلار به سازمان برنامه، تحت عنوان «قرارداد وام» اعلام کرد که توسط علی‌قلی اردلان سفیر ایران در آمریکا و مدیرعامل صندوق وام‌های عمرانی در واشنگتن به امضاء رسید (مذاکرات مجلس، ۱۳۳۷، بند ۵) این وام به مصرف خرید ماشین‌آلات کشاورزی، سیلوها، توسعه جنگل‌ها، تجهیزات راه‌آهن، مخازرات، دفع آفات نباتی، ساختمان‌های فرودگاه‌ها، عمران شهرستان‌ها و... رسید (Tehran Economist, 16 July 1959). صندوق وام‌های عمرانی آمریکا مجدداً در سال ۱۳۳۹ شمسی، موافقت خود را برای پرداخت وام ۲۶/۲ میلیون دلاری جهت راه‌سازی اعلام کرد. قرارداد این وام را اردشیر زاهدی سفیر ایران در آمریکا و خسرو هدایت مدیرعامل

سازمان برنامه و مدیرعامل صندوق وام‌های عمرانی آمریکا امضاء کردند. در این قرارداد موافقت شد که چهار فقره جاده‌سازی به طول ۱۰۵۰ کیلومتر در جنوب غربی ایران و یک فقره جاده در شمال به انجام برسد (Ettela'at, 27 December 1960).

در دوره سه ساله نخست‌وزیری اقبال، ایران بیشترین وام را از بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم اخذ کرده است. این بانک در تیر ۱۳۳۷ ش. / ژوئیه ۱۹۵۸ م. وامی ۸۵ میلیون دلاری به ایران جهت کسری سالانه سازمان برنامه و طرح‌هایی نظیر راه‌سازی، ساخت فرودگاه، آسفالت خیابان‌ها، خرید ماشین‌آلات کشاورزی و بندرسازی موافقت و پرداخت کرد (Tehran Economist, 5 July 1958). در خرداد ۱۳۳۸ ش. / ژوئن ۱۹۵۹ م. نیز، بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم با پرداخت وام ۷۲ میلیون دلاری جهت عملیات راه‌سازی موافقت کرد. قرارداد این وام توسط خسرو هدایت و روسای بانک مذکور در واشنگتن به امضاء رسید که در مدت ۱۷ سال مستهلک گشت. مشاورین آمریکایی سازمان برنامه در راستای طرح عمران خوزستان، ساختن سد بر روی رودخانه دز را پیشنهاد کردند. در همین راستا بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم موافقت خود را با پرداخت وام ۴۲ میلیون دلاری اعلام کرد (مذاکرات مجلس، ۱۳۳۸، بند ۸).

ایالات متحده آمریکا با اعطای وام‌های متعدد از طریق طرح‌ها و مؤسسات مالی مختلف به‌منظور اصلاحات و مشارکت‌های عمرانی، تنها یک هدف را دنبال می‌کرد: جذب سرمایه به سمت صاحبان صنایع و سرمایه‌داران آمریکایی در جهت تقویت اقتصاد آمریکا. از این طریق دولت آمریکا می‌توانست به‌مرور میزان وابستگی ایران به خود و نفوذ سیاسی و اقتصادی خویش را در ایران افزایش دهد و جلوی روابط مسالمت‌آمیز ایران و شوروی را بگیرد.

دولت آمریکا در سال ۱۳۳۸ ش، ۲۸ میلیون دلار کمک بلاعوض جهت صادرات کالا به ایران اختصاص داد که در سال بعد این کمک به ۳۱/۶ میلیون دلار افزایش یافت (Tehran Economist, 31 July 1959). افزایش میزان صدور نفت، اعتبارات آمریکا و وام‌ها و اعتبارات خارجی موجب گردید، کالاهای ساخت غرب با شرایط آسان‌تر وارد کشور شود و بازارها، انباشته از کالاهای ساخت غرب شود. تولیدات ملی که در سال آخر دولت مصدق به رشد چشمگیری دست یافته بود، رو به اضمحلال بود. در دوره منوچهر اقبال میزان واردات کشور از حدود ۱۴ میلیون تومان در شصت سال گذشت به رقم بالای ۲۶۰۰ میلیون تومان در این دوره رسید. سالانه بیش از دو هزار قلم کالا

وارد کشور می‌شد در حالی که اجناس صادر شده فقط ۱۴ قلم بوده. این‌ها همه به دلیل عدم سیاست درست در زمینه تجارت خارجی بود. منوچهر اقبال با افتخار عنوان می‌کرد که از سیاست درهای باز پیروی می‌کند. این سیاست باعث از بین رفتن تعادل در تراز بازرگانی کشور شد و با ایجاد تورم و رکود، کشور را با مشکلات مالی و اقتصادی شدید روبرو کرد طوری که کشور به مرز ورشکستگی رسید (Katouzian, 1993: 247-252).

جدول-۱. اخذ وام‌ها و مصارف آن در دهه ۱۳۳۰ شمسی

سال	مبلغ	محل اعتبار	نحوه مصرف
۱۳۳۱	۲۵ میلیون دلار	بانک صادرات و واردات	اجرای طرح‌های کشاورزی صنایع و...
۱۳۳۱	۵ میلیون دلار	امریکا	خرید ماشین‌آلات و مواد خام
۱۳۳۱	۱۱ میلیون دلار	اصل چهار	کمک به امور کشاورزی بهداشت و آموزش و پرورش
۱۳۳۲	۲۳/۴ میلیون دلار	اصل چهار	برنامه‌های توسعه و اصلاحی اصل چهار
۱۳۳۲	۴۶ میلیون دلار	امریکا	تأمین کسری بودجه
۱۳۳۳	۶ و ۹ میلیون دلار	امریکا	تأمین کسری بودجه
۱۳۳۳	۱۲۷/۳ میلیون دلار	امریکا	واردات کالا و برنامه‌های عمرانی و کمک فنی
۱۳۳۳	۵۰ میلیون دلار	بانک صادرات و واردات	ساخت سد کرج
۱۳۳۴	۳۰ میلیون دلار	بانک صادرات و واردات	ساخت سد کرج
۱۳۳۷	۸۵ میلیون دلار	بانک جهانی	جهت کسری سالانه سازمان برنامه و طرح‌هایی نظیر راه‌سازی، ساخت فرودگاه، آسفالت خیابان‌ها، خرید ماشین‌آلات کشاورزی و بندرسازی
۱۳۳۷	۴۷/۵ میلیون دلار	صندوق وام‌های عمران آمریکا	طرح‌های خاص عمرانی و تأمین بودجه برنامه هفت‌ساله توسعه اقتصادی
۱۳۳۷	۴ میلیون دلار	بانک صادرات و واردات	خرید و نصب کارخانه سیگارسازی
۱۳۳۸	۹/۳ میلیون دلار	بانک صادرات و واردات	خرید چهل دستگاه لکوموتیو برقی دیزل و سایر لوازم مورد نیاز راه‌آهن

عملیات راهسازی	بانک جهانی	۷۲ میلیون دلار	۱۳۳۸
واردات کالا از آمریکا	امریکا	۲۸ میلیون دلار	۱۳۳۸
واردات کالا از آمریکا	امریکا	۳۱/۶ میلیون دلار	۱۳۳۹
عملیات سد دز	بانک جهانی	۴۲ میلیون دلار	۱۳۳۹
عملیات راهسازی	صندوق وام‌های عمران آمریکا	۲۶/۲ میلیون دلار	۱۳۳۹
ترمیم بخش دخانهیات	اصل چهار	۵ میلیون دلار	۱۳۳۹

(Ettela'at, 8 February 1952; Ettela'at, 6 May 1958; Ettela'at, 27 December 1960; Tehran)

Economist, 5 July 1958; Tehran Economist, 10 April 1959; Tehran Economist, 31 July 1959; Khandaniha, 15 May 1954; Khandaniha, 10 July 1956; Prime Minister's Office Documents, Document No. 10238, 1953; Parliamentary Proceedings, 1958, Clause 5; 1959, Clause 8; (Ministry of Foreign Affairs, 1952: 87; Bashir Gonbadi, 2003: 132; Mahdavi, H., 1996: 197

۳-۱-۲. تعاملات نفتی و مبادلات تجاری و بازرگانی

در ارتباط با روابط تجاری و واردات و صادرات میان دو کشور در این دوران باید اشاره کرد که در دهه‌ی ۳۰ شمسی واردات ایران از ایالات متحده تقریباً به ۱۹ درصد کل صادرات ایران افزایش یافت که بیشتر آن شامل مواد داروئی و شیمیایی، تراکتور، کامیون و انواع مختلف خودرو و لاستیک، پارچه و کالاهای تجملی و لوکس، دستگاه‌های تجهیزات برق، فولاد، آهن و چدن می‌شد. صادرات ایران به ایالات متحده اما آن‌چنان متنوع نیست که از جمله مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از نفت و مواد نفتی، پوست و پشم و کرک، فرش، خاویار، کتیرا و خرما (Azghandi, 2005: 278). در ۱۵ بهمن ۱۳۳۲ ش. ورود کالا از طرف مؤسسات وابسته به دولت ایالات متحده به ایران، آزاد شد. علاوه بر این مقرر شد لوازم مخصوص ترویج صنایع کوچک، مواد خوراکی و پوشاک بدون دریافت عوارض گمرکی به ایران وارد شوند (Ettela'at, 4 February 1954).

در سال ۱۳۳۳ شمسی مذاکراتی با کمپانی‌های نفتی ایالات متحده شروع شد. در نتیجه این مذاکرات که چندین ماه به طول انجامید، قرارداد فروش گاز و نفت که به قرارداد آمینی - پیچ یا قرارداد کنسرسیوم معروف شد، به امضاء رسید و در ۲۹ مهر ۱۳۳۳ ش. به تصویب مجلس درآمد (Azghandi, 2005: 361-362). این قرارداد شباهت نزدیکی به معاهداتی داشت که در این دوره میان کمپانی‌های بین‌المللی نفت و کشورهای تولیدکننده نفت منعقد می‌شد: سود پنجاه- پنجاه میان اعضای کنسرسیوم و شرکت ملی نفت تقسیم می‌شد؛ ایران حق امتیازهایی بالغ بر ۱۲/۵ درصد از کل

فروش دریافت می کرد (Gasiorowski, 1992: 159). بعد از قرارداد کنسرسیوم، آمریکا قبول کرد وامی به ارزش ۱۲۷ میلیون و سیصد هزار دلار در اختیار ایران قرار دهد که از این مبلغ ۲۱/۵ میلیون دلار برای برنامه همکاری فنی اصل چهار، ۵۲/۸ میلیون دلار برای واردات کالاهای مصرفی و ۵۳ میلیون دلار دیگر جهت برنامه‌های کمک عمرانی کوتاه مدت در نظر گرفته شد (Alexander and Nanes, 1999: 415).

در حوزه دادوستد محصولات کشاورزی نیز، میان دولت ایران و آمریکا یک سری موافقت‌نامه‌های رسمی منعقد شد. در اول اسفندماه ۱۳۳۵ ش، قرارداد فروش محصولات کشاورزی منعقد شد. در نتیجه این قرارداد، دولت ایالات متحده تعهد داد که محصولات کشاورزی اضافی خود را در مقابل دریافت ریال به ایران بفروشد و درآمد حاصل از آن را در جهت تأمین و تدارکات تجهیزات، مواد و خدمات لازم برای امور نظامی مشترک، گسترش بازارهای جدید محصولات کشاورزی ایالات متحده، پرداخت وام به دولت ایران و تأمین بودجه فعالیت‌های مربوط به مواد مبادلات آموزش بین‌المللی در ایران هزینه کند (Tirani, 2000: 119-120).

در زمینه اکتشاف و استخراج نفت، قرارداد مشارکتی در اردیبهشت ۱۳۳۷ ش. / مه ۱۹۵۸ م. با کمپانی نفتی پان امریکن ایالات متحده منعقد شد. مناطق حوزه عملیاتی این کمپانی شامل دو منطقه در خلیج فارس بود. شرایط و مقررات قرارداد اصل مشارکت پنجاه- پنجاه در سرمایه‌گذاری و اداره عملیات و بهره‌برداری و استرداد هزینه‌های اکتشاف بود. یکی از اصول قابل توجه این معاهده، این بود که شرکت موظف می‌شد مستمراً تعداد کارمندان خارجی خود را کم کند، به‌طوری که در انتهای ده سال از اجرای فعالیت شرکت، تعداد کارمندان خارجی از دو درصد کل کارکنان تجاوز نکند (Azghandi, 2005: 252).

دهه ۳۰ را می‌توان اوج روابط اقتصادی و عمرانی ایران و آمریکا به واسطه طرح ترومن و اصلاحات آن نام برد. دولت آمریکا با ارزیابی اوضاع نا به سامان داخلی ایران در آن سال‌ها مخصوصاً پس از کودتای ۲۸ مرداد، شروع به اعطای کمک‌ها و وام‌های متعدد به ایران برای انجام اصلاحات داخلی در زمینه کشاورزی، بهداشتی، آموزشی و... و بهبود وضع اقتصادی و مالی کشور کرد. علاوه بر این با ایجاد روابط تجاری و بازرگانی مستحکم با ایران در پی جذب سرمایه و ایجاد یک بازار برای فروش کالاهای خود بود؛ به‌طوری که در این سال‌ها ایالات متحده یکی از بزرگ‌ترین

صادرکنندگان کالا به ایران بود. در مجموع دولت آمریکا با توجه به منافعی که در قبال این قراردادها دنبال می کرد، در طول سال های دهه ۳۰ شمسی به اکثر معاهدات و تعاملات خود با ایران در سال ها پایبند بود.

۳-۲- قراردادهای اقتصادی و عمرانی منعقد شده میان ایران و آمریکا در دهه ۴۰ شمسی

همکاری های اقتصادی جدید میان ایالات متحده و ایران از دهه ۴۰ شمسی توسعه یافت. در این دوره دولت ایران سعی کرد تا طرح نویی از فعالیت های اقتصادی را تنظیم و اجرا کند. افزایش همکاری های امنیتی با اسرائیل و همچنین عضویت ایران در سازمان کشورهای صادرکننده نفت موسوم به اپک را باید به عنوان زمینه های اعطای مساعدت های اقتصادی تازه ایالات متحده به منظور گسترش راهبردی در ایران دانست (Voldani and Pirhadi, 2016: 88).

۳-۲-۱- اعطای کمک ها و وام های اقتصادی

در ۳۰ آذر ۱۳۴۰ ش، موافقت نامه عمومی همکاری های اقتصادی ایران و آمریکا در تهران به امضاء رسید که به موجب آن کندی موافقت خود را با پرداخت کمک ۱۵ میلیون دلاری به صورت بلاعوض به دولت امینی اعلام کرد. در همین سال، صندوق وام های عمرانی آمریکا نیز وام ۲۰ میلیون دلاری به سازمان برنامه پرداخت کرد که ۶ میلیون دلار از این وام جهت راه سازی و ۱۴ میلیون دلار بقیه برای بودجه سازمان برنامه در نظر گرفته شد (Ettela'at, 21 December 1961).

رابرت میسی و صفی اصفیاء مدیر عامل سازمان برنامه در تیر ۱۳۴۲ ش. / ژوئیه ۱۹۶۳ م. قرارداد وام ۱۵ میلیون دلار جهت تعمیر و توسعه بندرعباس و همچنین وام ۲/۴ میلیون دلار برای تهیه نقشه های اصلی شبکه برق شش شهرستان ایران را امضاء کرد (Ettela'at, 26 June 1963). در تکمیل این پروژه، در دی ۱۳۴۵ ش. / ژانویه ۱۹۶۷ م. قرارداد وام ۶/۵ میلیون دلاری جهت هزینه های طرح تأمین خدمات مدیریت برق سراسر ایران و تهیه وسایل مورد نیاز، منعقد شد (Ettela'at, 27 December 1966). ایران برای تقویت شرکت هواپیمایی ملی خود قراردادی در سال ۱۳۴۳ ش. با آمریکا به امضاء رساند. به موجب این قرارداد مبلغ ۱/۵ میلیون دلار از طریق سازمان برنامه به عنوان وام به منظور تقویت ارزش فنی و بهبود امور اداری در اختیار شرکت هواپیمایی ملی ایران قرار گرفت (Kayhan, 21 February 1965).

آمریکا در ۲۷ اسفند ۱۳۴۲ ش. / ۱۳ مارس ۱۹۶۴ م. اعلام کرد، به منظور تأمین هزینه‌های ارزی در راستا اجرا طرح راه‌آهن ترکیه و ایران و تجهیزات مورد نیاز، وام‌های بلندمدتی جمعاً به مبلغ ۱۸ میلیون و ۳۵۰ هزار دلار به دولت‌های ترکیه و ایران اعطاء می‌کند. همچنین در تیر ۱۳۴۳ ش. / ژوئیه ۱۹۶۴ م. مقامات آمریکایی موافقت خود را با واگذاری وام درازمدت به مبلغ ۷/۸۴۰ میلیون دلار جهت تأمین ارز خارجی مورد نیاز برای اتمام خط آهن بین ایران و ترکیه اعلام کردند (Azghandi, 2005: 285-286). تلاش ایالات متحده در این سال‌ها به جهت تشکیل یک کمربند امنیتی مقابل نفوذ کمونیست در منطقه از میان کشورهای متحد با این دولت، یکی دیگر از دلایل پابندی و تعهد دولت آمریکا در اعطای کمک‌های گوناگون و پرداخت وام‌های مختلف به ایران بود که مهم‌ترین مهره در غرب آسیا به شمار می‌رفت. دخالت شوروی در منطقه غرب آسیا می‌توانست عرضه نفت به غرب را قطع کند. برای اجتناب از قطع احتمالی نفت، غرب می‌بایست محافظی بسیار مسلح در این منطقه داشته باشد. این سیاست دولت در آمریکا منجر به بروز پدیده جدید در غرب آسیا شد که با نقش ژاندارمی شاه در منطقه مشخص شد. به همین دلیل ریچارد نیکسون^۱ و هنری کیسینجر^۲ در سیاست خارجی سه هدف اساسی را دنبال می‌کردند: ۱- تبدیل کمک‌های تسلیحاتی و نظامی به فروش اسلحه ۲- بازگشت دلارهای نفتی بخصوص در ایران ۳- تئوری جنگ برای آمریکا، اما به دست دیگران. در جهت اجرای همین سیاست‌ها، طرح پرداخت وام‌های بی‌شمار به ایران در این سال‌ها و مطالبه بازپرداخت آن‌ها، صادرات بی‌رویه کالا به این کشور و فروش سرسام‌آور تجهیزات نظامی در دستور کاره دولت آمریکا و روابط خود با ایران در این دوران قرار گرفت (Abbasi, 2017: 102).

در نتیجه اجرای طرح ثبات اقتصادی، وام‌های گوناگونی از طریق بانک‌های متعدد به ایران اعطا شد. بانک صادرات و واردات آمریکا در این دوره کمک قابل ملاحظه‌ای به دولت ایران کرد. این بانک در سال ۱۳۴۳ ش. دو فقره وام یکی به مبلغ ۴/۵ میلیون دلار جهت خرید لوازم و ماشین‌آلات راهداری نظیر کامیون، تراکتور، بارکش، غلتک‌های سنگین، وسایل جدید مخصوص جاده‌سازی و نگهداری و مرمت راه و هزینه فعالیت‌های کارشناسان فنی آمریکا در ایران، پرداخت کرد (Ettela'at, 16 November 1964). وام دوم این بانک ۴/۲ میلیون دلار بود که برای خرید وسایل

Richard Nixon -6
Henry Kissinger -7

راه آهن نظیر قطعات لکوموتیو واگن، ژنراتور بخار و دیگر ابزار آلات، اخذ گردید. قرارداد هر دوی این وام ها توسط محمود فروغی سفیر ایران در واشنگتن امضاء شد (Tirani, 2000: 169). در مهر ۱۳۴۵ ش. / اکتبر ۱۹۶۶ م. نیز بانک صادرات و واردات آمریکا، وامی به مبلغ ۱۳/۱ میلیون دلار برای تأسیس اولین کارخانه پتروشیمی در ایران (آبادان) در اختیار دولت ایران قرار داد که جهت خرید تجهیزات و وسایل مورد نیاز تأسیس کارخانه پتروشیمی از آمریکا مورد استفاده قرار گرفت (Tehran Economist, 30 September 1966). در دی ماه همین سال جهانگیر آموزگار وزیر دارایی در دیدار با نایب رئیس بانک صادرات و واردات آمریکا، قرارداد دریافت وامی به ارزش ۱۰/۴ میلیون دلار را امضاء کرد. اعتبار مزبور جهت خرید لوازم مورد نیاز برای تأسیس کارخانه لوله سازی در اهواز بود (Azghandi, 2005: 298).

وزارت کشاورزی آمریکا در اردیبهشت ۱۳۴۴ ش. / می ۱۹۶۵ م. اعلام کرد دولت آمریکا بر اساس برنامه غذا برای صلح مبلغ ۷/۵۱ میلیون دلار جهت خرید گندم از آمریکا که شامل حمل و نقل دریایی نیز بود، در اختیار دولت ایران قرار داد (Tirani, 2000: 171-173). کمک برای صلح آمریکا در سال های مالی ۶۶-۱۹۶۱ م. / ۴۵-۱۳۴۰ ش. مازاد فرآورده های کشاورزی مانند برنج، گندم، شیر خشک، ذرت، حبوبات خوراکی، کره، پنبه و روغن گیاهی را از طریق کمک بلاعوض یا وام های قابل پرداخت با پول ایران (ریال) به ایران می داد (Gasiorowski, 1992: 236-237).

سیاستمداران آمریکایی در پی ابداع روش ها و ایجاد پیوندهایی بودند که کشورهای جهان سوم را بر اساس شرایطی که مطلقاً به نفع آمریکا باشد، به اقتصاد آمریکا وابسته کنند. این سیاست در ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه اجرا شد. برای اجرای این سیاست لازم بود دو کار انجام گیرد: ۱- تسلط بر سازمان برنامه؛ که هر ساله از کشورهای غربی بخصوص آمریکا تعدادی با عنوان کارشناس و متخصص به استخدام این سازمان در می آمدند که یکی از کارهای این اشخاص ارائه و تنظیم برنامه ای بوده که کشور هر روز بیشتر وابسته به وام های خارجی و واردات شود. ۲- فرهنگ سازی به منظور مصرف کالاهای خارجی؛ مستشاران کشورهای امپریالیستی در جهت ارجحیت دادن کالاهای خارجی نسبت به کالاهای داخلی فعالیت می کردند و به منظور دستیابی به این اهداف، تأثیر گذاری روی شاه، درباریان، اشراف، اربابان و سایر اقشار صاحب قدرت در جامعه را مورد توجه قرار می دادند (Torabi, 2000: 71).

بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه از دیگر بانک‌هایی است که در این دوره وام‌ها و تسهیلات متعدد به دولت ایران، پرداخت کرد. این بانک در سال ۱۳۴۲ شمسی وامی به ارزش ۱۵ میلیون دلار در جهت راه‌سازی در اختیار دولت ایران قرار داد (Ettela'at, 15 July 1963). در سال بعد نیز، بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم موافقت خود را با پرداخت وامی به مبلغ ۱۸/۵ میلیون دلار جهت توسعه شبکه راه‌های سراسری به دولت ایران اعلام کرد (Tirani, 2000: 169). علاوه بر این، در سال ۱۳۴۴ ش. / ۱۹۵۶ م. این بانک دو فقره وام یکی به مبلغ ۳۲ میلیون دلار، به منظور تأمین قسمتی از هزینه‌های ساخت و ترمیم آسفالت حدود ۱۶۸۰ کیلومتر جاده اصلی و همچنین پرداخت هزینه‌های ارزی خدمات مهندسی و نظارت فنی مربوط به جاده‌های مزبور و وام دوم به ارزش ۸/۵ میلیون دلار جهت تأمین قسمتی از هزینه‌های ساخت حدود ۱۵۰۰ کیلومتر جاده فرعی در نواحی گرگان، آمل، رامسر، سفید رود، کرمانشاه، همدان، قزوین و تأمین هزینه ارزی مربوط به خدمات کارشناسان خارجی و خرید لوازم مورد نیاز به سازمان برنامه اعطا کرد (مذاکرات مجلس، ۱۳۴۴: بند ۴). بانک جهانی ترمیم و توسعه در شهریور ۱۳۴۶ ش. / سپتامبر ۱۹۶۷ م. نیز، وامی به مبلغ ۲۲ میلیون دلار به منظور تأمین بخشی از منابع مالی لازم جهت توسعه منابع آب و کشاورزی دشت قزوین، به دولت هویدا اعطا شد (Tirani, 2000: 180).

منابع خبری اعلام کردند: در ۹ ماه اول سال ۱۹۶۹ م. / ۱۳۴۸ ش. واردات ایران از آمریکا بالغ به ۲۳۹۸۰۴۰۰۰ دلار و صادرات ایران در همین مدت به آمریکا بالغ بر ۷۳،۳۷۶،۰۰۰ دلار بوده است (Tirani, 2000: 185). در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۹ ش. نیز، امیرعباس هویدا اعلام کرد: «واردات ما از آمریکا بالغ بر یک‌صد و نودوپنج میلیون دلار است که چهارده درصد کل واردات ما را تشکیل می‌دهد» (Ministry of Foreign Affairs, 1970: 245-247). با توجه به مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت میزان واردات کالا به کشور نسبت به صادرات اقلام به خارج از کشور چندین برابر بوده است. عملاً آمریکا در طی این سال‌ها با فروش کالاهای خود بازار ایران را قبضه کرده بود و بخش عمده‌ای از درآمدهای نفتی را از این طریق به دست می‌آورد.

جدول-۲. اخذ وام‌ها و مصارف آن در دهه ۱۳۴۰ شمسی

سال	مبلغ	محل اعتبار	نحوه مصرف
۱۳۴۰	۱۵ میلیون دلار	امریکا	کمک بودجه‌ای

کمک بودجه‌ای به سازمان برنامه، راه‌سازی	صندوق وام‌های عمران آمریکا	۲۰ میلیون دلار	۱۳۴۰
راه‌سازی	بانک جهانی	۱۵ میلیون دلار	۱۳۴۲
تعمیر و توسعه بندرعباس	آمریکا	۱۵ میلیون دلار	۱۳۴۲
برق‌رسانی به شهرستان‌ها	آمریکا	۲/۴ میلیون دلار	۱۳۴۲
اجرا طرح راه‌آهن ایران و ترکیه	آمریکا	۱۸/۳۵۰ میلیون دلار	۱۳۴۲
اتمام طرح راه‌آهن ایران و ترکیه	آمریکا	۷/۸۴۰ میلیون دلار	۱۳۴۳
توسعه شرکت هواپیمایی	آمریکا	۱/۵ میلیون دلار	۱۳۴۳
خرید لوازم و ماشین‌آلات راه‌داری	بانک صادرات و واردات	۴/۵ میلیون دلار	۱۳۴۳
خرید وسایل راه‌آهن	بانک صادرات و واردات	۴/۲ میلیون دلار	۱۳۴۳
توسعه شبکه راه‌های سراسری	بانک جهانی	۱۸/۵ میلیون دلار	۱۳۴۳
تأمین قسمتی از هزینه‌های ساخت و ترمیم آسفالت	بانک جهانی	۳۲ میلیون دلار	۱۳۴۴
تأمین قسمتی از هزینه‌های ساخت جاده فرعی	بانک جهانی	۸/۵ میلیون دلار	۱۳۴۴
خرید گندم از آمریکا	آمریکا	۷/۵۱ میلیون دلار	۱۳۴۴
تأمین خدمات مدیریت برق کشور	اصل چهار	۶/۵ میلیون دلار	۱۳۴۵
تأسیس کارخانه پتروشیمی	بانک صادرات و واردات	۱۳/۱ میلیون دلار	۱۳۴۵
تأسیس کارخانه لوله‌سازی	بانک صادرات و واردات	۱۰/۴ میلیون دلار	۱۳۴۶
توسعه صنایع پتروشیمی	بانک صادرات و واردات	۶۰ میلیون دلار	۱۳۴۶
توسعه منابع آب و کشاورزی	بانک جهانی	۲۲ میلیون دلار	۱۳۴۶

(Ettela'at, 21 December 1961; Ettela'at, 26 June 1963; Ettela'at, 15 July 1963; Ettela'at, 16 November 1964; Ettela'at, 27 December 1966; Tehran Economist, 30 September 1966; Kayhan, 21 February 1965; Parliamentary Proceedings, 1965, Clause 4; Tirani, 2000: 169–180; Azghandi, 2005: 285–298)

۳-۲-۲. تعاملات و قراردادهای حوزه صنعت و انرژی

از دیگر فعالیت‌های آمریکایی‌ها در این سال‌ها ورود به حوزه صنعت، احداث کارخانه‌ها و مراکز صنعتی و بهره‌برداری از منابع ایران بود. در سال ۱۳۴۳ ش. قرارداد خرید کارخانه برقی از

آمریکا امضاء شده بود. این قرارداد در واقع برای تأمین برق تهران بود (Kayhan, 2 August 1964). ایران در زمینه تولید کاغذ نیز به آمریکایی‌ها وابسته بود. در همین زمینه در سال ۱۳۴۳ ش. کارشناسانی از آمریکا به تهران آمده و از نزدیک محل احداث کارخانه کاغذسازی کشور را مورد بازدید قرار دادند و با توجه به امکانات محل در تهیه طرح کاغذسازی با مقامات ایرانی، همکاری را آغاز کردند. همچنین یکی دیگر از شرکت‌های آمریکایی با سرمایه اداره عمران بین‌الملل آمریکا، کارخانه باطری‌سازی را در ایران راه‌اندازی کرد (Ettela'at, 30 October 1966). در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۴۶ ش. / ۱۷ اوت ۱۹۶۷ م. در تهران قراردادی میان دولتین آمریکا و ایران به منظور افزایش منابع قابل استفاده آب در ایران منعقد شد. در این قرارداد دولت ایالات متحده تعهد داد با همکاری دولت ایران به بررسی منابع آب مورد نیاز و ارائه طرح‌هایی در جهت افزایش آب قابل مصرف در کشاورزی، صنعت و شرب مبادرت ورزند و همچنین به بررسی چگونگی تأمین برق مورد نیاز برای مناطق مورد نظر بپردازد (Azghandi, 2005: 286). دولت ایالات متحده به منظور بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری‌های مشترک در برنامه‌های عمرانی مخصوصاً کشاورزی، آمادگی خود را برای تحقق هرچه سریع‌تر از این موافقت‌نامه‌ها اعلام کرد.

در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی حکومت پهلوی علاقه زیادی نسبت به تأسیس کارخانه‌های مونتاژ از خود نشان داد. کشورهای مادر به منظور حفظ بازار صادرات خود امکانات علمی و تکنولوژی لازم را در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار نمی‌دادند تا بتواند بازارهای فروش کالاهای خود را در کل کشورهای در حال توسعه حفظ کنند. کارخانه‌های مونتاژ برای مصرف داخل کشور تأسیس می‌شد لذا کالاهای آن اغلب گران تمام می‌شد که علل آن سیاست‌های حمایتی دولتی بود. به منظور فروش محصولات مونتاژ، مرزهای کشور به روی محصولات مشابه بسته و یا بر محصولات مشابه آن‌قدر گمرک، مالیات و سود بازرگانی می‌گذاشتند که تاجران نتوانند این محصولات را وارد کشور کنند. اگر حکومت پهلوی به صادرات محصولات تولید داخل روی می‌آورد باز هم این کالاها در بازار جهانی به علت گرانی و عدم مرغوبیت نمی‌توانست با کالاهای مشابه غیرمونتاژ ساخت غرب رقابت کند (Abbasi Makrani, 2017: 159-161).

در حوزه انرژی نیز همکاری‌های قابل توجهی با ایالات متحده صورت گرفت. در زمینه پتروشیمی، با انعقاد قراردادهایی با شرکت‌های چندملیتی، احداث واحدهای جدید پیش‌بینی گردید؛

شرکت پتروشیمی آبادان که با همکاری ایران و یک شرکت آمریکایی به وجود آمد و نیز شرکت شیمیایی خارک که به صورت مشترک با استاندارد اویل آمریکا ایجاد گردید، از آن جمله بودند (Malek Mohammadi, 2002: 92). از دیگر سرمایه‌گذاری‌های آمریکا در ایران تأسیس کارخانه کود شیمیایی بندر شاهپور (بندر امام) بود. برای این کار بانک صادرات و واردات آمریکا ۶۰ میلیون دلار وام برای ساختمان کارخانه پتروشیمی در نواحی شمالی خلیج فارس هزینه کرده بود. این وام صرف خرید وسایل از ایالات متحده و خدمات شرکت سهامی شیمیایی بندر شاهپور شده و قرار بوده این کارخانه در نزدیکی بندر مذکور ساخته شود. شرکت شیمیایی مشترک تحت اختیار شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت «الاید کمیکال»^۸ آمریکا بود. ۵۰ درصد سهام شرکت مذکور متعلق به ایران بود (Ettela'at, 11 July 1967).

این حجم بالای سرمایه‌گذاری‌ها و تعهد دولت ایالات متحده در پرداخت آن‌ها به بخش‌های مختلف صنعتی ایران، آمریکا را به یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایران در صحنه رقابت بین‌المللی تبدیل می‌کرد. این سرمایه‌گذاری‌ها از یک‌رو به دولت آمریکا کمک می‌کرد که نبض بازار ایران را در دست بگیرد و از سوی دیگر برای سرمایه‌داران آمریکایی سوده قابل توجهی را به همراه داشت.

در دهه ۴۰ شمسی، ایالات متحده با ورود به بخش صنعت و انرژی و عقد قراردادهای متعدد در کنار اعطاء وام و مساعدت‌های مختلف در زمینه اصلاحات و بخش عمران، به یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایران در این سال‌ها تبدیل شد. با وجود این که برنامه‌ی کمک اقتصادی آمریکا از نیمه سال‌های ۴۰ شمسی کاهش یافت، وابستگی دو کشور به دلیل پابندی آمریکا به تعهدات خود در زمینه‌های مذکور همچنان نیرومند ماند. همچنین دولت آمریکا با خرید مقادیر زیادی نفت از ایران، کالاهای مصرفی و دیگر محصولات خود را به ایران صادر می‌کرد و این گونه تبدیل به یک‌تاز عرصه اقتصادی ایران در آن دوران شد.

⁸ Allied Chemical

۳-۳- قراردادهای اقتصادی و عمرانی منعقدۀ میان ایران و آمریکا در دهه ۵۰ شمسی

از اوایل دهه ۱۳۵۰ شمسی به دلیل ازدیاد درآمد ایران از فروش نفت و رسیدن به ثبات سیاسی و تقویت نسبی شالوده اقتصادی کشور، شرایطی پیش آمد که ایالات متحده به صورت روز افزون نه تنها در حوزه نظامی، بلکه در صحنه سیاست و اقتصاد ایران نیز نقش مهمی به عهده گرفت. در طی این دوران مخصوصاً در سالهای ریاست جمهوری نیکسون و فورد، میزان سرمایه گذاریهای خارجی در ایران چندین برابر شد که بخش اعظم آن به شرکت های آمریکایی و سرمایه گذاری های آن ها در بخش های مختلف اقتصادی ایران تعلق داشت. از بین کشورهای صادر کننده سرمایه به ایران نیز، ایالات متحده بیش از نیمی از کل سرمایه های وارده خارجی را تشکیل می داد و مقام اول را به دست آورده بود.

۳-۳-۱- اعطای کمک ها و وام های اقتصادی

ایران در دهه ۵۰ شمسی به دلیل افزایش قیمت نفت یکی از ثروتمندترین کشورهای منطقه می شود و احتیاجی به وام خارجی نداشته است. بالعکس به کشورهای مختلف وام اعطاء می کند ولی ناگهان در سال های مالی ۱۹۷۲-۱۹۷۱ م. ۱۳۵۱/۱۳۵۰ ش. سه فقره وام از بانک بین المللی ترمیم و توسعه دریافت می کند: ۱- ۳۲ میلیون دلار به منظور کشیدن خط لوله نفت به شمال ایران ۲- ۲۹ میلیون دلار جهت سازمان بنادر و کشتیرانی ایران ۳- ۵۱ میلیون دلار جهت توسعه و تکمیل شبکه های برق ایران (Ministry of Foreign Affairs, 1972: 319-320; Ministry of Foreign Affairs, 1973: 220).

درباره اخذ این وام ها دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول اینکه ایران به دلیل واردات گسترده و همچنین کاهش درآمد نفتی در برهه هایی از زمان با مشکلات اقتصادی مواجه شد و مجبور به دریافت وام شد؛ دیدگاه دوم که از طرف روزنامه های وقت ارائه می شد: ایران با وجودی که به وام خارجی نیازی ندارد برای اینکه به رونق کار بانک جهانی کمک کرده باشد اقدام به گرفتن این مبلغ وام از این بانک کرده است؛ البته اگر درصد سود بالای وام ها، گردش پول در بانک جهانی و همچنین ایجاد کار برای کارشناسان و متخصصان این بانک را در نظر بیاوریم، دیدگاه دوم صحیح تر به نظر می رسد (عباسی ماکرانی، ۱۳۹۶: ۱۱۲).

در سال ۱۳۵۰ ش. / ۱۹۷۱ م. سال بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه مبلغ ۹۶ میلیون دلار در اختیار بانک توسعه صنعتی و مصرفی ایران و صندوق تعاون کشاورزی قرار داد. بانک صادرات و واردات آمریکا نیز مبلغ ۲۹/۲ میلیون دلار برای تأمین بخشی از هزینه‌های ارزی طرح مخابرات کل کشور، مبلغ ۱/۸۵ میلیون دلار برای ساخت هتل اینترکانتینانتال^۱ تهران و مبلغ ۳۰/۷ میلیون دلار برای طرح افزایش دو واحد مولد برق ۱۵۶ مگاواتی نیروگاه شهریار به ایران کمک کرد (Azghandi, 2005: 347). سپس در سال ۱۳۵۱ ش. / ۱۹۷۲ م. این بانک وامی به ارزش ۷/۸۴۰ میلیون دلار جهت خرید دو فروند هواپیمای مسافربری به شرکت هواپیمایی ایران پرداخت کرد (Ministry of Foreign Affairs, 1973: 220).

در سال ۱۳۵۱ ش. / ۱۹۷۲ م. مؤسسه مالی بین‌المللی I.F.C با اعطای وامی به مبلغ ۱۲/۲ میلیون دلار به منظور توسعه و تکمیل کارخانه کاغذسازی پارس و همچنین مبلغ ۱/۲۵ میلیون دلار جهت توسعه شرکت ایران- کالیفرنیا که در امر کشت و صنعت فعالیت داشت، موافقت کرد (Ministry of Foreign Affairs, 1972: 317). در مهر ۱۳۵۶ ش. / اکتبر ۱۹۷۷ م. نیز مؤسسه صادرات آمریکا وامی به ارزش ۲/۶ میلیون دلار به مجتمع صنایع چوب و کاغذ ایران (چوکا) اعطاء کرد. این مجتمع از محل وام مزبور هزینه‌های ارزی طرح‌های شرکت را تأمین می‌کرد (Ettela'at, 28 September 1977).

جدول-۳. اخذ وام‌ها و مصارف آن در دهه ۱۳۵۰ شمسی

سال	مبلغ	محل اعتبار	نحوه مصرف
۱۳۵۰	۲۹/۲ میلیون دلار	بانک صادرات و واردات	طرح مخابرات یکپارچه کشور
۱۳۵۰	۱/۸۵ میلیون دلار	بانک صادرات و واردات	ساخت هتل اینترکانتینانتال
۱۳۵۰	۳۰/۷ میلیون دلار	بانک صادرات و واردات	خرید مولد برق
۱۳۵۰	۹۶ میلیون دلار	بانک جهانی	توسعه بانک توسعه صنعتی و مصرفی و صندوق تعاون کشاورزی
۱۳۵۰	۳۲ میلیون دلار	بانک جهانی	کشیدن خط لوله نفت به شمال
۱۳۵۱	۲۹ میلیون دلار	بانک جهانی	توسعه سازمان بنادر و کشتیرانی ایران
۱۳۵۱	۵۱ میلیون دلار	بانک جهانی	توسعه و تکمیل شبکه‌های برق ایران
۱۳۵۱	۷/۸۴۰ میلیون دلار	بانک صادرات و واردات	خرید دو فروند هواپیمای مسافربری از آمریکا

InterContinental Hotel -9

۱۳۵۱	۲/۶ میلیون دلار	موسسه صادرات آمریکا	توسعه صنایع چوب و کاغذ
۱۳۵۱	۱۲/۲ میلیون دلار	I.F.C	توسعه و تکمیل کارخانه کاغذسازی پارس
۱۳۵۶	۱/۲۵ میلیون دلار	I.F.C	توسعه شرکت ایران-کالیفرنیا کشت و صنعت

(Ministry of Foreign Affairs, 1972: 317-320; Ministry of Foreign Affairs, 1973: 220;)

(Azghandi, 2005: 347; Ettela'at, 28 September 1977)

۳-۲- تعاملات و قراردادهای حوزه معدن و انرژی

در سال‌های آغازین دهه‌ی پنجاه شمسی، ذخایر بزرگ مس در منطقه‌ی سرچشمه در جنوب شرقی ایران، مورد توجه قرار گرفت. شرکت ملی مس سرچشمه پس از امضای قراردادی در زمینه‌ی کمک‌های فنی با شرکت آمریکایی آناکند، در سال ۱۹۷۳ م. / ۱۳۵۲ ش. به وجود آمد. با تأسیس این شرکت نیازهای جانبی این صنعت مانند ایجاد مراکز تولید نیروی الکتریسته، ایجاد شهر یا شهرک‌هایی که بتواند افراد مورد نیاز برای کار را در خود جای دهد و همچنین احداث فرودگاه، نیز مورد توجه قرار گرفت (Malek Mohammadi, 2002: 91). در ۱۹ مهرماه ۱۳۵۱ ش. معاهده فروش گاز مایع طبیعی ایران با آمریکا به امضاء رسید (Ministry of Foreign Affairs, 1972: 221). بانک صادرات و واردات آمریکا در اوایل آذرماه ۱۳۵۱ ش، با تضمین ۷۵۰ میلیون دلار سرمایه گذاری در زمینه گاز طبیعی ایران، جمع کل تعهدات این بانک را، به هزار میلیون دلار می‌رساند. در آذر ۱۳۵۲ ش. معاهده‌ای در جهت ساخت دومین کارخانه ذوب آهن بین شرکت آمریکایی سوئیندل^۱ و شرکت ملی صنایع فولاد ایران منعقد شد. در دی‌ماه همان سال، قرارداد اجرایی دومین کارخانه ذوب آهن ایران، میان شرکت‌های مذکور و یک شرکت مکزیکی منعقد شد و شروع به رشد و توسعه کرد (Baresandeh, 2015: 171-173).

انعقاد قراردادهای متعدد در بخش انرژی و معدن میان ایران و آمریکا رو به افزایش بود اما این در حالی بود که ظرفیت‌های داخلی ایران از جمله امکانات بارگیری و حمل و نقل، انبارهای نگهداری

¹ Soindle -10

مواد اولیه و زیرساخت‌های عمرانی، پاسخ گوی چنین حجم عظیمی از سرمایه‌گذاری‌ها نبود و با وجود تعهد دولت آمریکا در قبال اجرای این معاهدات، در بعضی موارد نتایج مطلوبی کسب نشد. در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۳ شمسی، رئیس کمیسیون انرژی اتمی آمریکا به ایران سفر کرد و در ارتباط با امکانات و زمینه‌های همکاری میان دو کشور در این حوزه با دولت ایران به مذاکره پرداخت. در نتیجه این مذاکرات، معاهده خرید خدمات مربوط به غنی‌سازی اورانیوم به‌منظور تأمین سوخت نیروگاه‌های اتمی، میان نماینده کمیسیون انرژی اتمی ایالات متحده و سازمان انرژی اتمی ایران در تهران منعقد شد (Tirani, 2000: 212). به دنبال عقد این قرارداد، پیشنهاد شد که همکاری‌های هسته‌ای میان ایران و آمریکا تحت سرپرستی اداره توسعه و تحقیقات انرژی ایالات متحده قرار گیرد (Voldani and Pirhadi, 2016: 92).

باید توجه داشت که در این سال‌ها قرار نبود، ایران و یا هیچ کشور دیگری به تکنولوژی و یا حتی علم هسته‌ای دست یابند. ایالات متحده آمریکا پس از واقعه هولناک هیروشیما و به‌منظور بازسازی چهره ضد حقوق بشری خود و از میان بردن ترس و نفرت عمومی از اتم و تسلیحات اتمی، شروع به اقداماتی نظیر برگزاری برنامه‌های تبلیغاتی و فعالیت‌های تشریفاتی مانند آشنا کردن جوامع داخلی و خارجی با انرژی اتمی و استفاده‌های مفید از آن و همچنین قرار دادن بعضی تجهیزات و دانش قلیل هسته‌ای با نظارت شدید به بعضی کشورهای متحد خود از جمله ایران، کرد.

۳-۳-۳- مبادلات و قراردادهای بازرگانی و تجاری

شرکت‌های آمریکایی بین ژانویه ۱۹۷۳ م. / ۱۳۵۲ ش. تا سپتامبر ۱۹۷۴ م. / ۱۳۵۳ ش. بالغ بر ۱۱/۹ میلیارد دلار با ایران قرارداد بستند. همچنین، پیمان اقتصادی مارس ۱۹۷۵ م. / اسفند ۱۳۵۳ ش. ایران را متعهد می‌ساخت که در طی پنج سال یعنی تا سال ۱۹۸۰ م. / ۱۳۵۹ ش. بالغ بر ۱۵ میلیارد دلار از آمریکا خرید کند و بازار ایران را در دست در اختیار کالاهای آمریکایی قرار دهد (Vaizi, 2000: 75). در طی این سال‌ها با وجود سرمایه‌گذاری‌های متعدد شرکت‌های آمریکایی در بخش‌های مختلف بازرگانی ایران و ورود این کشور در بخش گردشگری در کنار حجم بالای واردات از آمریکا، شاهد وابستگی حداکثری اقتصاد ایران به ایالات متحده هستیم.

در پی مسافرت کیسینجر در دی‌ماه ۱۳۵۳ ش. / ۱۹۷۴ م.؛ و تشکیل کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور، معاهده عظیم اقتصادی ایالات متحده و ایران مبنی بر داشتن مبادلاتی به ارزش ۱۵ میلیارد

دلار بدون توجه به صادرات نفتی در طول ۵ سال، منعقد شد. علاوه بر موارد پیش‌بینی شده‌ای از جمله مسئله فروش هشت نیروگاه اتمی به ایران، موافقت‌های دیگری در این معاهده ذکر شد که عبارت بودند از:

- ۵ میلیارد دلار مربوط به اقلام معمولی بازرگانی از جمله ۲۰٪ افزایش سالانه در بازرگانی غیرنفتی؛
- ۵ میلیارد دلار بهای نخستین تجهیزات نظامی که آمریکا در عرض ۵ سال به ایران می‌فروشد؛
- ۵ میلیارد دلار بابت کالاهای سرمایه‌ای و خدمات مربوط به طرح‌های مختلف از جمله نیروگاه‌های اتمی شامل دو کارخانه پیش‌ساخته، ۱۰۰ هزار آپارتمان، ۲۵ بیمارستان با ظرفیت ۳ هزار تخت خواب، تأمین ماشین‌آلات کشاورزی، تهیه مواد غذایی و حشره‌کش، احداث بزرگراه‌ها و مراکز آموزش حرفه‌ای و در نهایت تأسیس یک مجتمع الکترونیکی؛ در پایان مسافرت هنری کیسینجر به ایران اعلامیه مشترکی از سوی دو کشور در ایجاد و توسعه این طرح‌ها صادر شد (Ministry of Foreign Affairs, 1974: 113).

جلوگیری از نفوذ کمونیسم در ایران، در دست‌گیری نبض اقتصادی این کشور و یافتن متحدی قوی در منطقه برای پیشبرد برنامه‌های ایالات‌متحده، از جمله طرح‌هایی بود که آمریکا در غالب اعطاء مساعدت‌ها و وام‌های اقتصادی و انعقاد قراردادهای متعدد اقتصادی دنبال می‌کرد که در اکثر آن‌ها به تعهدات خود پایبند بود.

آخرین مرحله همکاری‌های اقتصادی میان ایالات‌متحده و ایران را باید در چارچوب کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور، بررسی کرد (Voldani and Pirhadi, 2016: 89). در این زمینه برنامه‌هایی به‌منظور گسترش همکاری‌های اقتصادی در جهت ایجاد تأسیسات آب‌شیرین‌کن، ساخت نیروگاه هسته‌ای با ظرفیت ۸ هزار مگاوات و تأسیسات الکترونیکی مطرح شد. موضوعات مربوط به حوزه انرژی و بررسی‌های معدنی همچنین رشد و گسترش علوم پایه در بخش لرزه‌نگاری، زمین‌شناسی، اقیانوس‌شناسی و بزرگراه‌های ارتباطی نیز در دستور کار قرار گرفت. چنین پروسه‌ای را باید به‌عنوان ادامه نفوذ ایالات‌متحده در بخش‌های مختلف اقتصادی ایران دانست. ایده تشکیل این کمیسیون نیز تأثیر گرفته از افزایش درآمد نفت ایران بود (Azghandi, 2005: 315). آمریکا علی‌رغم آن‌که بخش عظیمی از نیازهای نفتی خود را از طریق ایران تأمین می‌کرد، اما با صادرات

فراوان خود به کشور، توانسته بود تراز تجاری خود را به نفع خود رقم بزند تا جایی که بنا بر اعلام وزارت امور خارجه، در اسفند سال ۱۳۵۶ ش. حجم مبادلات ایران و آمریکا، طی ده سال پانزده برابر شد که اوج نفوذ ایالات متحده در زمینه تجاری و بازرگانی ایران را نشان می‌دهد (Voldani and Pirhadi, 2016: 90).

در ۱۹ اسفند ۱۳۵۶ ش، چهارمین اجلاس کمیسیون مشترک ایران و آمریکا با امضای چند یادداشت تفاهم در واشنگتن به کار خود پایان داد. تلاش برای گسترش روابط بازرگانی میان دو کشور، ادامه برنامه آموزش تولید سويا و پنبه برای ایرانیان اعزام شده به آمریکا و تسهیل در ایجاد شرکت‌های ایرانی-آمریکایی کشاورزی، از جمله موارد مطرح شده در یادداشت‌های تفاهم امضا شده بود (Tirani, 2000: 250-251). سیاستمداران آمریکایی با وابسته کردن کامل کشورهای جهان سوم به غلات و محصولات کشاورزی خود، از مواد غذایی به عنوان سلاح استفاده می‌کردند تا در صورت لزوم با عدم ارسال مواد غذایی به کشورهای در حال توسعه، آن کشور را دچار هرج و مرج و حتی تهدید به سقوط نمایند. در سال ۱۳۵۶ ش. ۱۹۷۷ م. ایران حدود یک میلیون و چهارصد هزار تن گندم وارد کشور می‌کند. حکومت پهلوی در اواخر سال‌های حکومتش در کل مبلغ ۳ میلیارد دلار در سال به واردات مواد غذایی اختصاص داد که عمده این واردات از ایالات متحده بوده است (Abbasi Makrani, 2017: 151-152).

ایران در نیمه‌های دهه ۱۹۷۰ م. / ۱۳۵۰ ش. با یک بحران شدید اقتصادی روبه‌رو شد. افزایش بیکاری، تورم شدید، بحران مسکن و استقراض جدید خارجی شکل‌های عمیق ناآرامی اجتماعی را پدیدار آورد که مجموعاً راه را برای جنبش انقلابی ۱۹۷۸ م. / ۱۳۵۷ ش. هموار ساخت. وابستگی به ایالات متحده آمریکا موجب شد تا طبقه‌های متوسط و پایین جامعه، از رژیم سلب حمایت کنند. نتیجه این امر یعنی انقلاب اجتماعی ۱۳۵۷ شمسی در واقع حاصل و برآیند تفاوت‌های کلیدی در وضعیت توسعه وابسته و پیامدهای آن بود (Foran, 1998: 607-610).

در ۱۴ دی ۱۳۵۷ ش، کنفرانس گوادلوپ^۱ برگزار و تصمیم چهار دولت غربی به سلب حمایت از شاه گرفته شد و در ۲۱ دی، سائروس ونس^۲ اعلام کرد: دولت آمریکا تصمیم شاه به خروج از کشور را تأیید و احساس می‌کند که شاه دیگر در آینده سیاسی ایران نقشی ندارد. در ۱۹ بهمن همان

^۱ Conference Guadeloupe

^۲ Cyrus Vance

سال، سخنگویان کاخ سفید و وزارت خارجه آمریکا اعلام کردند دولت آمریکا پشتیبان دولتی خواهد بود که مورد حمایت ملت ایران باشد (Mahdavi, 1996: 368). آمریکا برای بهبود روابط خود با حکومت جدید ایران ژست‌های دوستانه‌ای از خود نشان می‌داد که از آن جمله موافقت با ارسال لوازم یدکی و مواد غذایی و ادامه روابط بازرگانی و خرید نفت از ایران را می‌توان نام برد؛ اما این اقدامات نمایشی آمریکا در برابر نظام جدید انقلاب اسلامی دوام چندانی نداشت و در نهایت روابط میان دو کشور از سوی دولت آمریکا قطع شد و تمامی قراردادهای و تعاملات اقتصادی و عمرانی یا آمریکا لغو و در ادامه تحریم‌های اقتصادی از جانب این حکومت بر دولت ایران اعمال شد.

در طول سال‌های دهه ۵۰ شمسی روابط ایالات متحده و ایران، ستون اصلی سیاست خارجی ایران بود که در نتیجه تمایلات و منافع صاحب منصبان حکومت وقت و شخص شاه از گسترش این روابط و همکاری‌ها با آمریکا بود. در این دوران و با پشتیبانی آمریکا، ایران به یکی از بازیگران اصلی منطقه تبدیل شد؛ اهمیت استراتژیک ایران برای مقابله با نفوذ کمونیسم، برخورداری این کشور از معادن و منابع سرشار از جمله نفت، اصرار شاه در به عهده گرفتن مسئولیت‌های بیشتر تحت عنوان ژاندارم خلیج فارس برای حفظ منافع آمریکا، در این امر مؤثر بود؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی این سلطه همه‌جانبه آمریکایی‌ها در ایران پایان یافت تمامی معاهدات و تعاملات اقتصادی و عمرانی لغو شد. آمریکا که تا آن زمان بزرگ‌ترین واردکننده کالا و بیشترین سهم از نفت و درآمدهای حاصله از آن را دارا بود، در سال‌های بعد نیز در میان کشورهای عمده‌ی طرف بازرگانی ایران قرار نگرفت، همچنان که در صادرات نفت ایران نیز سهمی نداشت.

نتیجه‌گیری

دهه ۳۰ شمسی، سال‌های اوج‌گیری اصلاحات و همکاری‌های میان ایران و آمریکا بر پایه قانون اصل چهار ترومن بود. بر اساس این برنامه، کمک‌ها و وام‌های مالی هنگفت به ایران از سوی آمریکا به منظور اصلاح اقتصادی و انجام اصلاحات ارضی و عمرانی در بخش‌های کشاورزی، بهداشت، آموزش، صنعت و راه‌سازی اعطاء شد که هدف آن تقویت مالی ایران و بالا بردن کیفیت رفاه عمومی به منظور جلوگیری از ایجاد نارضایتی‌های جمعی، گسترده‌ی فقر و اشاعه تفکرات

کمونستی در داخل ایران بود که البته نتایج مطلوبی در درازمدت در بخش اجتماعی کسب نکرد. همچنین همکاری‌ها و قراردادهایی در جهت بهره‌برداری و فروش نفت با آمریکا صورت پذیرفت که بیشتر به‌منظور استفاده حداکثری آمریکا از درآمدهای حاصل از نفت ایران بود. علاوه بر این، معاهدات متعددی در زمینه تجاری و بازرگانی با آمریکا به امضاء رسید که ایران را تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین کشورهای واردکننده کالا و بازار فروش محصولات ایالات متحده می‌کرد که هرچند آمریکا در اکثر موارد به تعهدات خود در این معاهدات و تعاملات پایبند بود اما باید اشاره کرد که منافع این کشور در قبال این تعهدات، کاملاً حفظ می‌شد.

در طی سال‌های دهه ۴۰ شمسی، ایالات متحده به کمک‌های اقتصادی خود از طریق اعطای وام بر پایه برنامه اصل چهار ادامه داد. این وام‌ها در ظاهر به‌منظور توسعه اقتصادی اما در عمل به وابستگی مالی ایران منتهی شد. دولت ایران با اعطای امتیازاتی که در قبال اخذ این وام‌ها و شرایط بازپرداخت مدت‌دار آن‌ها که معمولاً سوده زیادی برای آمریکا و مؤسسات مالی وابسته به آن داشت، در کنار تعهد به خرج این مبالغ در برنامه‌های تعیین شده از سوی این دولت و خرید اقلام مورد نیاز از آن داشت، به مرور رشته‌های وابستگی ایران به ایالات متحده محکم‌تر می‌شد. در کنار فعالیت‌های اصلاحی و عمرانی، تعاملات و معاهدات حوزه صنعت و انرژی و قراردادها و مبادلات تجاری و بازرگانی، دولت آمریکا توانست نقش خود را در مناسبات داخلی و خارجی ایران تثبیت و زمینه را برای پیشبرد اهداف خود فراهم آورد. هرچند بیشتر همکاری‌ها و موافقت‌نامه‌های اقتصادی میان ایران و آمریکا موفقیت‌آمیز بود اما شاید بتوان گفت سودی که آمریکا از اعطای این امتیازها به ایران دریافت می‌کرد کمتر از نفعی که نصیب دولت ایران می‌شد، نبود.

از آغاز دهه پنجاه شمسی و با افزایش قیمت نفت، میزان سرمایه‌گذاری‌های آمریکا نیز در ایران افزایش یافت و در چارچوب کمیسیون مشترک اقتصادی طرح‌های اقتصادی متنوعی از جمله توسعه همکاری‌های تجاری و بازرگانی، اعطای وام و پیشرفت طرح‌های علوم پایه و هسته‌ای صورت پذیرفت. دولت آمریکا با اعطای این کمک‌ها و وام‌ها چندین هدف را دنبال می‌کرد از جمله: وابستگی هر چه بیشتر ایران به این کشور به‌منظور استفاده از منابع و ظرفیت‌های داخلی مخصوصاً نفت و درآمد حاصله از آن، بهره‌برداری از بازارهای داخلی ایران، تشکیل دیوار دفاعی توسط یک متحد قوی و قابل اعتماد مقابل بلوک شرق و نفوذ کمونیسم، استفاده از موقعیت استراتژیک ایران

برای نفوذ حداکثری در منطقه غرب آسیا و در نهایت ایجاد یک بازوی اجرایی قوی در این منطقه برای کنترل اوضاع، برقراری ثبات و عامل حفظ منافع این کشور در ذیل عنوان «ژاندارم منطقه». علاوه بر این معاهدات گوناگونی با شرکت‌های مختلف عمرانی و پیمانی در حوزه صنعت و انرژی منعقد شد و کمک‌های فنی نیز در این زمینه انجام گرفت. به‌طور کلی با توجه به بررسی‌های انجام گرفته در این تحقیق می‌توان گفت در طول دهه ۵۰ شمسی و تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی، آمریکا در بیشتر تعهدات خود در جریان معاهدات متعدد اقتصادی و اجتماعی با ایران، پایبند بود، معاهداتی که عمدتاً با تمرکز بر حفظ و تقویت موقعیت و منافع آمریکا در منطقه تنظیم شده بود. در نهایت با پیروزی انقلاب اسلامی این تعاملات به پایان رسید و تمامی معاهدات و قراردادهای اقتصادی و عمرانی لغو شد.

در سال ۱۳۵۷ شمسی، با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تغییر و تحولات ناشی از آن که ریشه در تغییر ماهیت و رویکرد حکومت ضد استعماری و استکباری ایران داشت، دگرگونی‌هایی در نحوه مناسبات دو کشور به وجود آمد که در نهایت این تحولات به نفع آمریکا تمام نشد و دولت آمریکا نیز تا حد زیادی از زیر بار تعهدات خود نسبت به ایران شانه خالی کرد. در مجموع می‌توان گفت دولت ایالات متحده با توجه به اهدافی که برای پیشبرد منافع خود از جمله جلوگیری از خطر نفوذ کمونیسم در منطقه غرب آسیا، درک موقعیت استراتژیک ایران، بهره‌برداری از منابع و بازارهای این کشور و تبدیل آن به عامل ثبات و بازوی اجرایی قوی در منطقه به‌عنوان متحدی قابل اعتماد، در ایران دنبال می‌کرد، طی سال‌های مذکور با نفوذی که بر طرف ایرانی در هنگام انعقاد قراردادهای متعدد اقتصادی و عمرانی داشت، در بیشتر موارد به تعهدات خود در قبال معاهدات و قراردادهای منعقدۀ با ایران پایبند بوده است.

Translated References to English

- Ahmadian, H. (2022). THE IRANIAN REGIONAL DETERRENCE STRATEGY IN THE NEW MIDDLE EAST. Retrieved from <https://peacediplomacy.org/2022/11/11/the-iranian-regional-deterrence-strategy-in-the-new-middle-east/>
- Bajoghli, N., Nasr, V. (2024). How the War in Gaza Revived the Axis of Resistance. Retrieved from <https://www.foreignaffairs.com/united-states/how-war-gaza-revived-axis-resistance>
- Cooper, T., Sadik, A. (2007). Iraqi Invasion of Kuwait; 1990. Air Combat Information Group Journal. http://www.acig.info/CMS/index.php?option=com_content&task=view&id=68&Itemid=1
- Dehghani Firouzabadi, S.J. (2016). General Principles of International Relations. Tehran: Mokhtab Publishing. [in Persian]
- Dekmejian, H. (2011). Islam in Revolution: Contemporary Islamic Movements in the Arab World. Tehran: Keyhan.
- Esfandiari, M., Hasanzadeh, M., Imandar, Z. (2016). Modern Deterrence in the New Order and Structure of the International System. Military Science and Technology Quarterly, 12(38), 32–35. [in Persian]
- Fayaz Faroojy, M. (2023). The Impact of the Iran, Saudi Arabia, and China Agreement on American Influence in the Region. Retrieved from <https://iranthinktanks.com/the-impact-of-iran-saudi-and-china-agreement-on-american-influence-in-the-region/> [in Persian]
- Ghasemi, F. (2009). Theoretical Requirements of Regional Deterrence of the Islamic Republic of Iran. International Quarterly of Foreign Relations, 1(3), 55–83. [in Persian]
- Ghasemi, F. (2021). Complex-Chaotic International Systems and the New Theory of Network Defense Diplomacy. Iranian Journal of International Politics Research. [in Persian]
- Ghasemi, F., Keshavarz, A. (2009). A View on the Regional Deterrence System in International Relations: A Case Study of Iran and the United States. Political and International Approaches. [in Persian]
- Granados, S. (2019, July 19). Tensions rise in the world's most strategic oil chokepoint. Retrieved from <https://www.reuters.com/graphics/MIDEAST-ATTACKS-HORMUZ/0100B0B50N3/>
- Hafezi, P. (2024, January 21). Exclusive: Iran sends Russia hundreds of ballistic missiles. Retrieved from <https://www.reuters.com/world/iran-sends-russia-hundreds-ballistic-missiles-sources-say-2024-02-21/>
- Jamshidi, M. (2012). The Role of Conventional Deterrence in Barack Obama's Defense Strategy toward the Islamic Republic of Iran. Political Science Research, 8(1), 117–142. [in Persian]
- Javadi Fath, S. (2005). The United States' Ambitions in the Greater Middle East Plan. Rahbord, 35. [in Persian]
- Kavalski, E. (2007). The Fifth Debate and the Emergence of Complex International Relations Theory. Cambridge Review of International Affairs, 20(3).
- Kendall-Taylor, A., Fontaine, R. (2024). The Axis of Upheaval. Retrieved from <https://www.foreignaffairs.com/china/axis-upheavalThe%20Axis%20of%20Upheavalrussia-iran-north-korea-taylor-fontaine>
- Khozaei, M. (2021). Actions and Achievements of the Research and Self-Sufficiency Jihad Organization of the Army Ground Forces. Retrieved from <https://hawzah.net/fa/Discussion/View/77551/...> [in Persian]
- Mansbach, R.W., Taylor, K.L. (2018). Introduction to Global Politics. New York: Routledge.
- Martyr General Sattari; An Unforgettable Genius in the History of the Air Force and Air Defense (2013). Retrieved from <https://www.irna.ir/news/80788740/...> [in Persian]

- Matthiesen, T. (2024, February 9). How Gaza Reunited the Middle East. Retrieved from <https://www.foreignaffairs.com/middle-east/how-gaza-reunited-middle-east#author-info>
- Mearsheimer, J. (1985). *Conventional Deterrence*. Cornell University Press.
- Mearsheimer, J. (2010). *The Tragedy of Great Power Politics*. Ministry of Foreign Affairs Publishing Office. (in persian).
- Moniri, K., Mirzakhani Silab, R. (2020). Analytical Study of the S-300PMU-2 Air Defense System.... *Strategic Studies in Public Policy*, 10(37), 361–383. [in Persian]
- O'Donnell, N. (2024, January 19). On deck with the U.S. Navy in the Red Sea. Retrieved from <https://youtube.com/watch?v=BXUpixvGipw>
- Owens, M. (2009). *The Bush Doctrine: The Foreign Policy of Republican Empire*. *Orbis*, Vol. 53, No. 1.
- Perrimond, G. (2002). 1944–2001: The threat of theatre ballistic missiles. TTU Online. <http://www.ttu.fr/site/english/endocpdf/24pBalmissileenglish.pdf>
- Saeqeh (Thunderbolt) / Saeqeh-80 / Azarakhsh-2. (2004, November 23). Retrieved from <https://www.globalsecurity.org/military/world/iran/saeqeh.htm>
- Safavi, S.Y., Hafeznia, M.R., Afshordi, M.H., & Faraji, B. (2012). Sustainable security in the geopolitical region of the Persian Gulf in light of the instability of converging and diverging forces. *Afaq-e Amniat (Security Horizons)*, 5(17), 55–80. [in Persian]
- Seifi, Y. (2012). The Shiite Islamist geoculture in the Middle East and its impact on the deterrence of the Islamic Republic of Iran. *Afaq-e Amniat (Security Horizons)*, 5(17), 81–102. [in Persian]
- The Research and Self-Sufficiency Jihad Organization's Projects... Are Student-Oriented. Retrieved from: <https://snn.ir/fa/news/510063/...>
- Vinograd, C. (2024, April 19). Shadow War Between Iran and Israel: A Timeline. Retrieved from <https://www.nytimes.com/2024/04/19/world/middleeast/iran-israel-shadow-war-history.html>
- Walt, S.M. (1991). The Renaissance of Security Studies. *International Studies Quarterly*, 35(4).
- Waltz, K. (2012, June 15). Why Iran Should Get the Bomb, Nuclear Balancing Would Mean Stability. Retrieved from <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2012-06-15/why-iran-should-get-bomb>
- Watman, K., & others. (1995). *U.S. Regional Deterrence Strategy*. RAND
- Yari, E. (2019). Geopolitical imperatives and strategic necessities of the Islamic Republic of Iran's missile program in the anarchic environment of the international system. *Afaq-e Amniat (Security Horizons)*, 12(42), 9–36. [in Persian]